

ژئوپلیٹیک

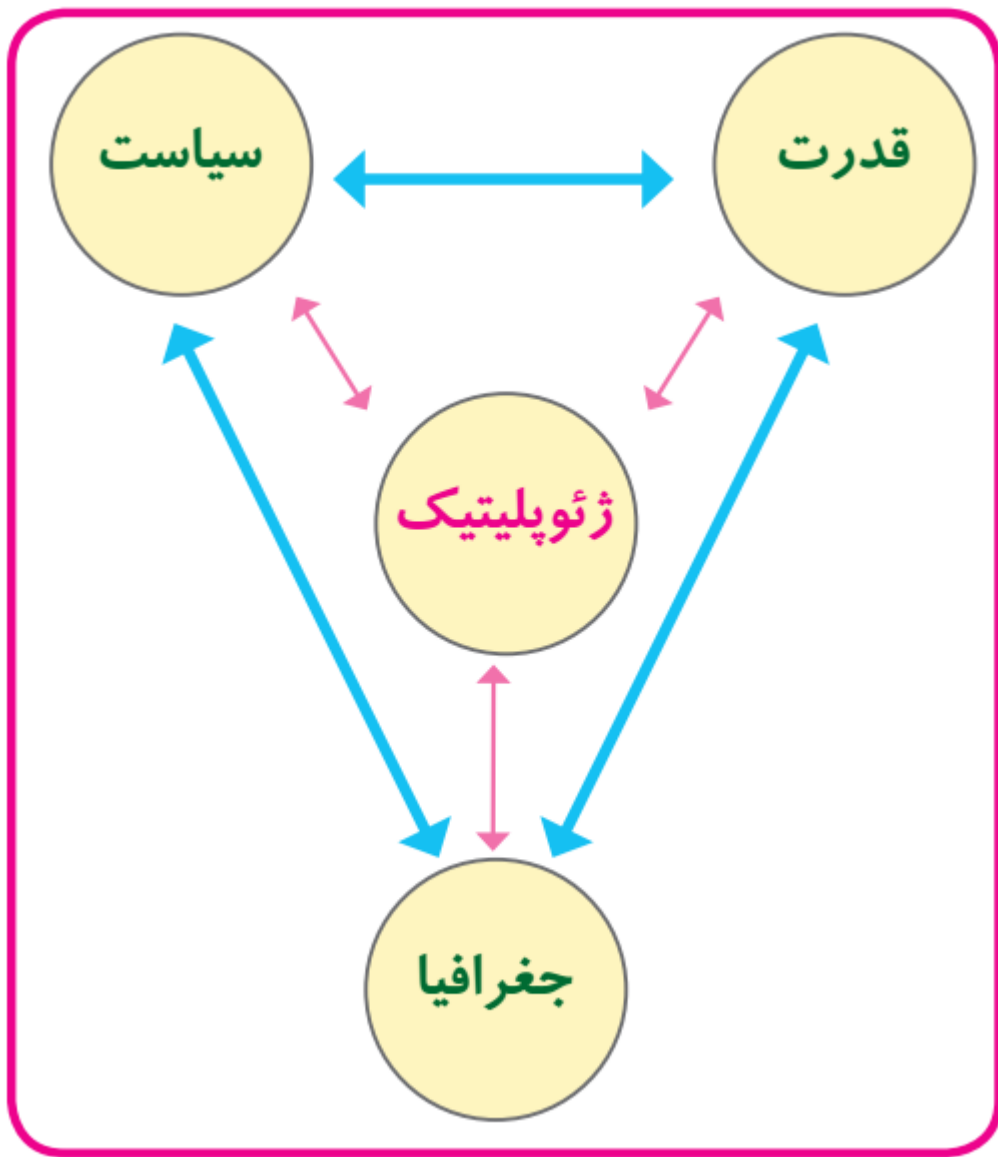
درس ۱۱

تعریف ژئوپلیتیک

امروزه این اصطلاح جغرافیایی در اخبار و موضوعات سیاسی، روابط سیاسی و بین‌المللی، مذاکرات یا رقابت‌ها و کشمکش‌های سیاسی، زیاد به کار می‌رود. صاحب‌نظران از ژئوپلیتیک و موضوع آن تاکنون تعاریف گوناگونی داده‌اند و در این باره اتفاق نظری وجود ندارد. **اصطلاح ژئوپلیتیک از دو واژه «ژئو» مخفف ژئوگرافی به معنای جغرافیا و واژه «پلیتیک» به معنای سیاست ترکیب شده است.** برخی آن را معادل «سیاست جغرافیایی» در نظر گرفته‌اند که البته مورد قبول همه نیست.

در اینجا برای فهم موضوع ژئوپلیتیک، از تعریف و مدلی که یک جغرافیدان سیاسی ایرانی آن را وضع کرده است، استفاده می‌کنیم:

«ژئوپلیتیک شاخه‌ای از دانش جغرافیای سیاسی است که با موضوع قدرت و ارتباط آن با جغرافیا و سیاست سر و کار دارد و روابط متقابل این سه عنصر را مطالعه می‌کند.»



به مدل توجه کنید؛ در سمت چپ آن، دو عنصر **جغرافیا** و **سیاست** را مشاهده می کنید. شما در درس ۹ از طریق مثال های متعدد با تأثیرات متقابل جغرافیا و سیاست آشنا شدید. همانطور که می بینید، در این مدل عنصر «**قدرت**» به رابطه متقابل **جغرافیا** و **سیاست** اضافه شده است؛ زیرا جوهره ژئوپلیتیک را «**قدرت**» تشکیل می دهد.

قدرت

تعریف قدرت در ادبیات زبان فارسی:

در فرهنگ فارسی، قدرت به معنای داشتن توانایی است. قدرت به توان و استعداد انسان برای انجام دادن کاری که مطلوب اوست، گفته می شود. در زبان فارسی واژه های مترادف با قدرت یا مفهوم آن زیادند؛ مانند نفوذ، توانایی، اقتدار، حکم، فرمان و دستور.

تعریف قدرت در مباحث سیاسی و اجتماعی:

در مباحث اجتماعی و سیاسی، از قدرت با تعابیری چون کنترل دیگران یا نفوذ داشتن روی آنها، سلطه و توانایی مجبور کردن دیگران به فرمانبرداری، یاد شده است. برخی از اندیشمندان معتقدند که قدرت طلبی و تمایل به داشتن قدرت از خصوصیات و تمایلات طبیعی بشر است.

انواع قدرت:

به طور کلی، هر فرد و گروه انسانی برای رسیدن به اهداف و خواسته های خود باید قدرت داشته باشد. بنابراین، بر حسب شرایط و اهداف و خواسته ها انواع قدرت وجود دارد: قدرت جسمانی، قدرت علمی، قدرت اقتصادی، قدرت هنری و قدرت سیاسی.

رابطه قدرت و سیاست

تعریف سیاست:

سیاست عبارت است از علم اداره یک کشور یا حکومت داری.

تعریف بازیگران سیاسی:

سیاست مداران، حکومت ها، نهادها و سازمان های بین المللی همه در پی دستیابی به قدرت اند تا بتوانند از آن برای رسیدن به اهداف، آرمان ها و خواسته های خود استفاده کنند. به این افراد و گروه ها بازیگران سیاسی گفته می شود.

بازیگران سیاسی اصلی و عمده جهان

- حکومت های مستقل؛
- رهبران ایدئولوژیک و افراد برجسته سیاسی که روی مردم نفوذ دارند؛
- گروه ها و احزاب سیاسی؛
- سازمان های مردم نهاد و غیرحکومتی (NGO) مانند انجمن فعالان حقوق بشر، محیط زیست و صلح؛
- سازمان های بین المللی (مانند سازمان ملل متحد)؛
- نهادهای اقتصادی و تجاری بین المللی (مانند شرکت های چندملیتی)

بازیگران سیاسی و قدرت:

بازیگران سیاسی با به دست آوردن قدرت می توانند به اهداف خود برسند، مطابق میل یا نظام فکری خود فرمان برانند، منافع خود و هوادارانشان را تأمین نمایند و رقیبان خویش را از صحنه بیرون کنند.

حکومت و قدرت:

حکومت ها با استفاده از قدرت می توانند در داخل یک کشور امنیت و نظم اجتماعی برقرار کنند و در خارج از آن کشور نیز اهداف خود را پیش ببرند.

قدرت مانند یک شمشیر دولبه است؛ حکومت ها، هم می توانند از قدرت برای دست یافتن به اهدافی چون تأمین استقلال و منافع و امنیت ملی کشور خود بهره ببرند و هم می توانند آن را علیه ملت خود به کار بگیرند.

آن ها با به کارگیری ابزارهای قدرت چون ارتش، پلیس، دستگاه قضایی و اطلاعاتی می توانند به آزار مردم خود پردازند و از قدرتشان برای حفظ بقا و سلطه خود استفاده کنند.

عوامل و ارزش های جغرافیایی در قدرت:

عوامل و ارزش های جغرافیایی، نقش مهمی در تولید قدرت برای یک کشور دارند. صاحب نظران ژئوپلیتیک معتقدند عواملی چون **موقعیت جغرافیایی، آب و هوا و داشتن منابع زیرزمینی و جمعیت** می توانند موجب قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی یک کشور شوند. یا به عکس، کارکرد منفی داشته باشند و موجب تضعیف قدرت شوند.

پیش از آنکه بیشتر به این موضوع پردازیم، بهتر است به چند نظریه که در این زمینه ارائه شده است، توجه کنیم.

قدرت و نظریه های ژئوپلیتیکی

نظریه «فضای حیاتی» راتزل

رابطه عوامل جغرافیایی با سیاست و قدرت از گذشته های دور مورد توجه اندیشمندان بوده و توجه به آن موجب پیدایش نظریه های ژئوپلیتیکی شده است. از معروف ترین این نظریه ها، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

در قرن نوزدهم، **راتزل** که پدر علم جغرافیای سیاسی شناخته می شود، نظریه «**فضای حیاتی**» را مطرح کرد. راتزل می گفت اگر کشورهای کوچک برای جمعیت خود فضای کافی نداشته باشند و در صدد توسعه سرزمین های خود برنیایند، نابودی آنها حتمی است. او همچنین برای عامل موقعیت جغرافیایی اهمیت قائل بود و اعتقاد داشت که موقعیت یک کشور در مجاورت یک دولت قوی یا ضعیف، بر سیاست و قدرت آن تأثیر می گذارد. راتزل از مباحث خود چنین نتیجه می گرفت که در کشمکش بر سر قدرت، دولت های بزرگ پیروزمی شوند و کشورهای کوچک را ضمیمه خاک خود می کنند.

چرا امروزه نظریه راتزل قبول نیست و محکوم شمرده می شود؟

البته باید توجه کرد که این نظریه در اواخر قرن نوزدهم مطرح شده است و در قرن بیستم با توسعه حقوق و قوانین بین المللی، اقداماتی مانند کشورگشایی و تصرف سرزمین های دیگر قابل قبول نیست و محکوم شمرده می شود؛ هر چند امروزه معدودی از کشورها به حقوق کشورهای دیگر توجه نمی کنند و آن را نادیده می گیرند. حمله نظامی امریکا به افغانستان و عراق در سالهای ۱۳۶۹ و ۱۳۸۰ و اشغال این کشورها یا حمله عراق به کویت در سال ۱۳۶۹ نمونه هایی از توسعه طلبی کشورهاست.

برخی از صاحب نظران درباره ارتباط عوامل جغرافیایی با سیاست و قدرت، به عوامل جغرافیایی دیگری چون **قدرت خشکی (بری)**، **قدرت دریایی**، **قدرت هوایی** و نظایر آن اشاره کرده اند.

۱- نظریه هارتلند یا قدرت خشکی

مکیندر، جغرافیدان انگلیسی، در سال ۱۹۰۴ میلادی در مقاله ای با موضوع تولید قدرت، به «خشکی ها» توجه کرد. او معتقد بود که بخش عمده خشکی های جهان، سه قاره به هم چسبیده آسیا و اروپا و افریقا است و جزیره جهانی نام دارد. مکیندر در این جزیره جهانی منطقه خشکی اوراسیا (از رود ولگا در غرب تا سیبری در شرق) را قلعه (دژ) جهان می دانست و می گفت این منطقه برای قدرت های دریایی، غیر قابل دسترس است.

مکیندر بخش مرکزی این منطقه را محور یا قلب خشکی جهان (هارتلند Heartland) نامید. او معتقد بود که این منطقه، یعنی شرق اروپا، منبع بزرگ قدرت است و هرکس بر منابع آن مسلط شود، می تواند بر کل جزیره جهانی و جهان فرمان براند.

برخی معتقدند نظریه هارتلند یا قدرت خشکی در سیاست های جنگ طلبانه آلمان هجوم این کشور به کشورهای مجاور و بروز جنگ های جهانی اول و دوم بی تأثیر نبوده است.

۲- نظریه قدرت دریایی

نظریه قدرت دریایی را «آلفرد ماهان» مطرح کرد. او که دریا سالار بود، فضاهای دریایی و اقیانوسی را در شکل گیری قدرت جهانی و کنترل و محاصره قدرت خشکی مؤثر می دانست.

آلفرد ماهان در کتاب خود نشان داد که چگونه انگلستان به دلیل برخورداری از قدرت دریایی بر رقیبان خود پیروز شد. او برای تبدیل شدن یک کشور به یک قدرت دریایی شش شرط پیشنهاد کرده بود.

موقعیت جغرافیایی

مجاورت کشور با یک یا چند دریا برای حمل و نقل و کنترل راه های آبی مهم

خط مشی سیاسی و حکومت

حمایت و توجه دولت ها به قدرت دریایی و بهره برداری از فرصت ها

وضع طبیعی سواحل

داشتن سواحل مناسب و دارای پناهگاه برای ایجاد بندرگاه

گسترش ساحل

طول سواحل یک کشور و دسترسی به آب های آزاد

تعداد جمعیت

هرچه تعداد افراد کشور بیشتر باشد، در تأمین نیروی انسانی دریایی مؤثرتر است

فرهنگ دریانوردی

توجه به اهمیت دریا، علاقه مردم یک کشور به دریانوردی و توسعه هروابط و تجارت گسترده با سایر ملل

شرایط تبدیل شدن یک کشور به قدرت دریایی در نظریه ماهان

البته ماهان قدرت دریایی را فقط در نیروی جنگی
ناوگان دریایی نمی دانست و معتقد بود **ملتی به**
قدرت دست می یابد که در تجارت دریایی نیز
نیرومند باشد.

کتاب معروف ماهان «نفوذ و تأثیر قدرت دریایی در
تاریخ» به زبان های مختلف ترجمه شد و در
کشورهای گوناگون مورد استقبال قرار گرفت.
برای مثال، در ژاپن به ناخدایان نیروی دریایی یک
جلد کتاب ماهان هدیه داده می شد تا رهنمودهای او
را به کار ببندند.

کشور ایران از سمت شمال و جنوب به دریا دسترسی دارد.

دو بخش آب های جنوبی ایران:

ایران در سواحل جنوبی بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر مرز دریایی دارد. آب های جنوب ایران را می توان به دو بخش تقسیم کرد:

الف) بخشی که از مصب اروندرود در غرب تا تنگه هرمز امتداد می یابد و خلیج فارس نام دارد.

ب) بخشی که از تنگه هرمز به سمت مشرق تا دهانه خلیج گواتر (گوادر) امتداد می یابد و دریای مکران (دریای عمان) نامیده می شود.

دریای عمان یا مکران بخشی از اقیانوس هند است و تنها دریای آزاد ایران محسوب می شود خلیج فارس نیز از طریق دریای عمان به آب های آزاد و سایر مناطق جهان ارتباط دارد.

نیروی دریایی راهبردی:

نیروی دریایی راهبردی به نیرویی گفته می‌شود که قادر است در محدوده آب‌های عمیق اقیانوسی عملیات انجام دهد؛ به گونه‌ای که بتواند خود را از تهدیدهای روی آب، زیر آب و هوا حفظ کند؛ محدودیتی نیز برای اجرای عملیات در عمق دوردست‌ها نداشته باشد و قادر به حفاظت از منافع ملی کشور در منطقه دریایی باشد.

در سال ۱۳۸۸، نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران به یک نیروی دریایی راهبردی تغییر جهت داد؛ به طوری که منطقه عملیاتی آن از تنگه هرمز و دریای عمان تا خلیج عدن و اقیانوس هند تا مدار ۱۰ درجه شمالی را شامل گردید.

تلاش ایران برای تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ دریایی:

ساختن زیردریایی‌ها و ناوشکن‌های چندمنظوره و حضور ناوگان ایران در آب‌های اقیانوس هند برای حفاظت از امنیت کشتی‌ها و شناورهای تجاری و نفت‌کش‌ها، همگی حکایت از تلاش ایران برای تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ دریایی دارند.

اهمیت بندر جاسک و بندر اقیانوسی چابهار

ایران در دریای عمان دو بندر مهم، یعنی بندر جاسک و بندر اقیانوسی چابهار (در استان سیستان و بلوچستان) دارد که به دلیل دسترسی به آب های آزاد، از قابلیت فوق العاده ای برای تجارت با جهان و توسعه حمل و نقل دریایی ایران و کشورهای آسیای میانه و قفقاز برخوردارند.

قدرت ملی

تعریف قدرت ملی:

قدرت ملی، قدرت یک ملت یا کشور برای رسیدن به اهداف و تحقق آرمان هایش است.

تاثیر قدرت ملی زیاد:

اگر کشوری از قدرت ملی زیادی برخوردار باشد، می تواند اهداف و خواسته های ملت خود را بدون مانع تأمین کند. برخی از کشورها در سطح جهان قدرت زیادی دارند. برخی دیگر بسیار ضعیف اند و قادر به رفع نیازهای اولیه خود نیستند.

روابط بین المللی و رفتار کشورها با یکدیگر نیز از میزان قدرت آنها تأثیر می پذیرد.

عوامل و سرچشمه های قدرت ملی

به طور کلی، عواملی را که موجب قدرت ملی می شود، می توان براساس درجه اهمیت به ۹ عامل دسته بندی کرد. جدول زیر را مطالعه کنید و فعالیت را در کلاس انجام دهید.



عوامل جغرافیایی

عوامل فرهنگی

عوامل سیاسی

عوامل علمی و فناوریانه

عوامل اقتصادی

عوامل اجتماعی

عوامل نظامی

عوامل فضایی

عوامل مؤثر در قدرت ملی

عوامل بین المللی (فرامرزی)

موقعیت جغرافیایی، آب و هوا، وسعت و شکل کشور، توپوگرافی - منابع زیستی، منابع زیرزمینی، نیروی انسانی و جمعیت و

عوامل جغرافیایی

درجه سواد، سرانه مصرف کتاب و مطبوعات، ایدئولوژی و اعتقادات، ایمان، افتخارات ملی، باورهای مردم، میراث فرهنگی و تاریخ و

عوامل فرهنگی

چگونگی مدیریت سیاسی کشور، نوع حکومت، رابطه ملت و حکومت، ثبات سیاسی، مشارکت سیاسی مردم و ...

عوامل سیاسی

تعداد دانشگاه ها و مراکز علمی و پژوهشی، تعداد استادان و معلمان خبره، سطح علمی و فناوری در صنعت، سطح ارتباطات اینترنت و IT الکترونیک، تعداد مجلات و مقاله های علمی و پژوهشی، صادرات علمی

عوامل علمی و فناوری

ثروت و منابع مالی، میزان ذخیره ارزی، میزان تولید ناخالص ملی، درآمد سرانه، صادرات و واردات و موازنه تجاری، گردشگری، زیربنای تولید و ...

عوامل اقتصادی

میزان امید به زندگی، میزان مرگ و میر کودکان، سطح رفاه اجتماعی و برخورداری از مسکن و تأمین اجتماعی، وحدت قومی، نژادی و زبانی و ...

عوامل اجتماعی

چگونگی تجهیزات و وسایل و تسلیحات نظامی، کیفیت فرماندهی و نیروهای نظامی و ...

عوامل نظامی

داشتن پایگاههای فضایی، ماهواره های مخابراتی، سفینه های فضایی، سفرهای فضایی و ...

عوامل فضایی

وضع همسایگان (قوی، ضعیف، دشمن، دوست) حضور در سازمان های بین المللی، روابط فرهنگی با کشورها و نفوذ فرهنگی، کیفیت دیپلماسی، نفوذ رسانه ای و خبری در جهان و ...

عوامل بین المللی (فرامرزی)

نقش عوامل جغرافیایی در قدرت ملی

۱- موقعیت جغرافیایی کشور

۲- وسعت، شکل و ناهمواریهای کشور

۳- بنیادهای زیستی کشور

۴- منابع انرژی و معدنی کشور

۵- جمعیت کشور

۱- موقعیت جغرافیایی کشور

موقعیت جغرافیایی (ریاضی و نسبی):

موقعیت جغرافیایی (ریاضی و نسبی) عبارت است از چگونگی قرار گرفتن یک مکان در سطح کره زمین.

تأثیر موقعیت جغرافیایی بر قدرت:

موقعیت جغرافیایی تأثیر بسزایی در افزایش یا کاهش قدرت یک کشور دارد؛ برای مثال، قرار گرفتن یک کشور در بین همسایگان قدرتمند یا ضعیف در سیاست خارجی آن کشور تأثیر گذار است.

کشورهای حائل:

کشورهای حائل، یعنی کشورهایی که بین دو یا چند قدرت بزرگ قرار دارند، معمولاً موقعیت آسیب پذیری پیدا می کنند؛ مانند لهستان که بین روسیه و آلمان قرار گرفته و در دوره هایی از تاریخ به دلیل همین موقعیت، موجودیت خود را از دست داده است.

تأثیر موقعیت دریایی بر قدرت:

موقعیت دریایی، یعنی دسترسی به آب های آزاد، نیز نقش مهمی در قدرت ملی یک کشور دارد. دسترسی به آب های آزاد یا دسترسی نداشتن به دریانیز در قدرت یا ضعف یک کشور تأثیر گذار است. برای مثال، انگلستان و ژاپن از همه سمت به آب های آزاد دسترسی داشته اند و توانسته اند به قدرت های بزرگ دریایی تبدیل شوند.

۲- وسعت، شکل و ناهمواریهای کشور

تاثیر وسعت زیاد بر قدرت ملی کشور:

کشورها از نظر وسعت با یکدیگر تفاوت دارند. وسعت زیاد به خودی خود امری مطلوب است و از بین دو کشور که شرایط یکسانی دارند، کشوری که سرزمین وسیع تری در اختیار دارد، قدرتمندتر است. کشورهای کوچک که کمبود فضا دارند، برای فعالیت های خود با مشکل روبه رو می شوند.

همچنین، در کشورهای وسیع در زمان جنگ می توان نیروهای نظامی پشتیبان را به بخش دیگری منتقل کرد؛ چنانکه در جنگ ژاپن و چین، چین نیروها و تدارکاتش را به غرب کشور خود انتقال داد.

البته وسعت زیاد اگر با کمبود جمعیت همراه باشد، در امر دفاع مشکلاتی به وجود می آورد.

تاثیر ناهمواری ها بر قدرت ملی کشور

کیفیت فضای سرزمین و نوع ناهمواری ها نیز در قدرت ملی مؤثر است. سرزمین های هموار برای کشاورزی و توسعه شبکه راه ها و حمل و نقل بسیار مناسب اند. نواحی کوهستانی، بیابان های وسیع، زمین های باتلاقی و کویری برای فعالیت های اقتصادی و ارتباطی به هزینه و سرمایه گذاری زیادی نیاز دارند و با مشکلات متعدد روبه رو می شوند. البته نواحی کوهستانی از نظر دفاعی نقش مثبتی دارند.



کانادا

ایالات متحده امریکا

برزیل

آرژانتین

روسیه

قزاقستان

ایران

چین

هند

الجزایر

سودان

کنگو

استرالیا

موقعیت کشورهای بزرگ جهان

شکل کشورها

۱ — کشورهای جمع و جور (فشرده) شکلی شبیه مربع یا دایره دارند.

۲ — کشورهای طویل به کشورهایایی گفته میشود که طول آنها حداقل شش برابر عرض شان باشد.

۳ — کشورهای دنباله دار یک بخش شبه جزیره ای یا دالان مانند دارند که از سرزمین اصلی جدا افتاده است.

۴ — کشورهای چندپاره یا چندتکه

۵ — کشورهای محاطی کشوری هستند که درون یک کشور دیگر محصور شده اند



تایلند

کشور دنباله‌دار



لهستان

کشور جمع و جور



شیلی

نروژ

کشورهای طویل



سوازیلند

لسوتو

آفریقای جنوبی

دنباله‌دار

کشورهای محاطی



کشور چند تکه

اندونزی

بهترین شکل برای یک کشور چیست؟ چرا؟

به طور کلی، بهترین شکل برای یک کشور، شکل فشرده است که در آن پایتخت در مرکز قرار گرفته است. در چنین وضعیتی، در کمترین زمان می توان از مرکز یک سرزمین به تمام نقاط آن دسترسی پیدا کرد. قابلیت دفاعی کشور در این شکل زیاد است.

مشکلات کشورهای طویل و چند تکه

در کشورهای طویل و چند تکه، نظارت حکومت بر همه قسمت های کشور و همچنین ایجاد خطوط ارتباطی با مشکل مواجه می شود.



۳- بنیادهای زیستی کشور

مهم ترین بنیادهای زیستی کشور:

عواملی چون آب، خاک، آب و هوا و پوشش گیاهی بنیادهای زیستی کشور محسوب می شوند.

تأثیر آب بر قدرت ملی و روابط بین کشورها:

آب یکی از مشکلات اصلی و از عوامل رقابت و کشمکش کشورها در آینده جهان است؛ زیرا به دلیل افزایش جمعیت و تغییر الگوهای زندگی، مصرف آن مرتباً افزایش می یابد. کشورهایی که دچار کمبود آب اند یا با پدیده فرسایش و آلودگی خاک مواجه اند، توانمندی های شان ضعیف می شود و نه تنها امکان تولید مواد اولیه و محصولات کشاورزی و تغذیه جمعیت در آنها کاهش می یابد بلکه وابستگی شان به واردات زیاد می شود.

تأثیر آب و هوا بر قدرت ملی کشورها:

آب و هوا نیز نقش مهمی در کشاورزی و تولید غذا و سایر فعالیت های اقتصادی و زندگی دارد. معمولاً، امکان تبدیل کشورهایی که در منطقه معتدل واقع شده اند، به قدرت های سیاسی منطقه ای یا جهانی بیشتر است و بعید است که یک قدرت سیاسی بزرگ بتواند در سرزمین های بسیار سرد و یخبندان یا بیابان های گرم و سوزان شکل بگیرد.

۴- منابع انرژی و معدنی کشور

درچه صورتی منابع انرژی ومعدنی در قدرت ملی کشور موثر است؟

منابع انرژی و معدنی چون نفت و گاز، کانی های فلزی چون مس ، روی و آهن در صنعت و امور نظامی کاربرد دارند. داشتن این منابع به تنهایی منشأ قدرت نیست. اگر این منابع در کشوری در جهت توسعه صنایع قرار بگیرند، (مانند چین و برزیل) در قدرت آن کشور مؤثرند،

درچه صورتی منابع انرژی و معدنی عامل کاهش قدرت ملی تلقی می شود؟

اگر اقتصاد کشوری وابسته به صادرات آنها باشد، یک ویژگی منفی و عامل کاهش قدرت ملی تلقی می شوند.



۵- جمعیت کشور

چرا جمعیت زیاد از عوامل قدرت ملی است؟

داشتن جمعیت زیاد از عوامل قدرت ملی است؛ زیرا هم منبع کار و تولید ثروت، هم نیروی نظامی و دفاعی و هم سرچشمه روحیه ملی محسوب می شود.

تأثیر کیفیت و ترکیب جمعیت بر قدرت ملی کشور:

جمعیت زیاد پیش شرط قدرت است اما کیفیت و ترکیب جمعیت نیز اهمیت دارد. داشتن جمعیت فعال و جوان، باسواد و دارای مهارت که فرصت های اشتغال و پیشرفت برای آن ها در کشور فراهم شده باشد، از عوامل قدرت ملی محسوب می شود.

تأثیر همگونی جمعیت از نظر قومی و زبانی و دینی بر قدرت ملی:

همگونی جمعیت از نظر قومی، زبانی و دینی نیز در افزایش قدرت ملی مؤثر است و هر چه این همگونی بیشتر باشد، قدرت ملی بیشتر است.

اکنون که با مفهوم ژئوپلیتیک آشنا شدید، می توانید تعریف ناحیه یا منطقه ژئوپلیتیکی را نیز دریابید.

تعریف منطقه ژئوپلیتیکی :

منطقه ژئوپلیتیکی عبارت است از بخشی از سطح زمین یا تعدادی کشور همجوار که به دلیل داشتن ارزش های جغرافیایی، بازیگران سیاسی برای کنترل یا تصرف آن ها با یکدیگر وارد تعامل (کنش و واکنش) می شوند. این تعامل ممکن است مذاکره، همکاری و همبستگی یا رقابت و کشمکش و حتی جنگ باشد.

به عبارت دیگر، منطقه ژئوپلیتیکی منطقه ای است که در آن سه عامل جغرافیا، سیاست و قدرت بر یکدیگر تأثیر می گذارند و توجه حکومت ها، به ویژه قدرت های جهانی، را به خود جلب می کنند. از مناطق ژئوپلیتیکی جهان امروز می توان به مناطق ژئوپلیتیکی خلیج فارس، اتحادیه اروپا، دریای خزر و قفقاز اشاره کرد.

پیروز باشید